

بررسی وضعیت اوقات فراغت زنان در جامعه روستایی (مطالعه موردی: روستای حسن آباد سنجایی در شهرستان دلفان)

زهرا فرضی زاده^{۱*}، محبوبه بابایی^۲

چکیده

موضوع اوقات فراغت، نحوه گذران آن توسط گروه‌های مختلف مردم و پیامدهای احتمالی آن، مبین رسوخ شیوه‌های جدید در زندگی کنونی بشر است. اوقات فراغت، با همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اوقات مؤثری است که در زمان‌ها و فضاهای مختلف توسط همه گروه‌ها و اقشار اجتماعی به شیوه‌های مختلف مصرف می‌شود. فهم چگونگی گذران اوقات فراغت بین اقشار مختلف می‌تواند مبنای مناسبی برای تحلیل روندها و تغییرات اجتماعی باشد. از آنجا که تحلیل وضعیت اوقات فراغت زنان روستایی کمتر در پژوهش‌ها مورد توجه بوده است، در مطالعه حاضر تلاش شده وضعیت اوقات فراغت زنان روستایی حسن‌آباد سنجایی، واقع در شهرستان دلفان، بررسی شود. در این مطالعه، وضعیت اوقات فراغت زنان بین نسل‌های مختلف و با توجه به میزان برخورداری از آب و اراضی کشاورزی با روش کیفی بررسی شد. از فنون مشاهده مشارکتی، مصاحبه و بحث گروهی متمرکز با ۲۲ نفر از زنان روستایی برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش تحلیل موضوعی نیز برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، نوع فصل، میزان برخورداری از اراضی کشاورزی، آب، دام و طیور تعیین‌کننده میزان اوقات فراغت زنان روستایی است. همچنین، نوع فعالیت‌های فراغتی و میزان زمان اختصاص‌یافته به آن‌ها در نسل‌های مختلف زنان روستایی در مقایسه با گذشته تغییراتی کرده است. زنان روستایی نسل جوان به دلیل دگرگونی ارزش‌ها علاقه چندانی به انجام‌دادن فعالیت کشاورزی ندارند و در مقایسه با نسل میان‌سال و کهن‌سال، اوقات فراغت بیشتری برای آن‌ها به وجود آمده است. همچنین، نوع فعالیت‌های فراغتی آن‌ها بر اثر تحولات نوین تغییراتی کرده است. زنان میان‌سال در فعالیت‌های مولد بازاری و مولد غیربازاری بیشترین مشارکت را دارند و به تبع آن، فعالیت‌های فراغتی آن‌ها عمدتاً برای رفع خستگی است. زنان مسن نیز در فعالیت‌های مولد بازاری و غیربازاری مشارکت دارند و فعالیت‌های فراغتی آن‌ها در راستای تسهیل زندگی در روستا است و در اوقات فراغتشان به تولید (خیک، تشک پوستی، نخ) می‌پردازند.

کلیدواژگان

اوقات فراغت، زنان، زمان، زنان روستایی، فعالیت فراغتی، کشاورزی.

farzizade@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی دانشگاه تهران mahboobeh.babaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۳

مقدمه

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث جدیدی است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی تبدیل شده است و امروزه به‌منزله یک خواست گروهی و ارزش اجتماعی در جامعه مطرح است [۱۲]. فراغت تجربه‌ای است که فرد براساس تمایلات شخصی و مشارکت داوطلبانه، متناسب با نیاز و ذوق خود، انتخاب می‌کند تا جسم، فکر و شخصیت او پرورش یابد [۱۹]. ژوفر دومازدیه^۱ فراغت را مجموعه‌ای از مشغولیت‌ها می‌داند که فرد پس از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی و برای رضایت خاطر خود، به منظور استراحت، تفریح، یا به منظور توسعه دانش و توانایی‌هایش به آن می‌پردازد [۸]. وی سه کارکرد برای اوقات فراغت بیان کرده است: الف) استراحت و رفع خستگی؛ ب) تفریح و سرگرمی؛ ج) امکان رشد و شکوفایی فرد [۸]. نکته‌ای که می‌توان درباره تعریف دومازدیه بیان کرد این است که گاه فرد در عین پرداختن به الزامات خانوادگی، شغلی یا اجتماعی ممکن است شادمانی، رضایت، تفریح، سرگرمی، رفع خستگی، خلاقیت و شکوفایی را نیز تجربه کند. درواقع، ممکن است نوعی درهم‌تنیدگی بین الزامات اجتماعی، خانوادگی یا شغلی و تجارب مذکور وجود داشته باشد؛ همانند اندیشمندی که در حین کار خود، یعنی نظریه‌پردازی، بر اثر خلاقیت و احساس شکوفایی ذهنی به شغف و لذت خاصی دست می‌یابد. به اعتقاد سیوان و راسکین [۴۱] «فراغت حوزه خاصی از تجربه بشر با مزایای خاص خود است که آزادی انتخاب^۲، خلاقیت^۳، رضایت^۴، لذت^۵ و خشنودی^۶ و شادمانی^۷ فزاینده را شامل می‌شود. فراغت اشکال گسترده‌ای از فعالیت یا ابراز را دربر می‌گیرد که عناصر آن اغلب فیزیکی، فکری، اجتماعی، هنری یا روحی^۸ است». به نظر آن‌ها، فراغت، همانند آموزش، شغل و سلامت، حق اساسی انسانی است و هیچ شخصی نباید به دلایلی مانند جنسیت، سن، نژاد، مذهب، عقیده، موقعیتش به لحاظ سلامتی، یا موقعیت اقتصادی‌اش از آن محروم شود. فراغت منبعی برای بهبود کیفیت زندگی افراد است. اما نارضایتی فزاینده، استرس، خستگی، ضعف فعالیت فیزیکی، ضعف خلاقیت و از خودبیگانگی در زندگی روزمره، مشخصه بسیاری از جوامع جهان است. به نظر آن‌ها، همه این خصیصه‌ها می‌تواند از طریق رفتار فراغتی رفع شود.

اوقات فراغت و سبک زندگی باهم مرتبط و درهم‌تنیده‌اند. در جوامع ساده‌تر، مرز ثابت و مشخصی بین کار و فراغت وجود نداشت. در زندگی روستایی، کارکردن برای بقا انجام می‌گرفت

-
1. Dumazedier
 2. freedom of choice
 3. creativity
 4. satisfaction
 5. enjoyment
 6. happiness
 7. pleasure
 8. spiritual

و تفریح فرصتی بود که معمولاً به صورت اتفاقی پیش می‌آمد. در چنین جوامعی، فراغت حول وظایف ضروری روزمره تحقق می‌یافت و بیشتر در الگوی زندگی روزانه یا فصلی متمرکز می‌شد و کار از فراغت و مکان کار از مکان فراغت جدا نبود. این وضعیت در برخی نواحی روستایی کشور نیز به خوبی مشهود است؛ مثلاً، آوازخوانی، شوخی و خنده زنان روستایی حین انجام فعالیت‌های کشاورزی دسته‌جمعی (مانند نشا و وجین برنج و نخود، جمع‌آوری بوته‌های خوراکی از نواحی کوهستانی و...) همگی بیانگر درهم‌تنیدگی کار و تفریح در میان آن‌هاست.

زنان روستایی و عشایری حدود ۱۰ میلیون نفر یا ۱۴ درصد از جمعیت کشور و ۴۹ درصد از جمعیت روستایی و عشایری را تشکیل می‌دهند [۲۳]. برخی از آن‌ها علاوه بر انجام دادن کارهای خانه، دوشادوش مردان به فعالیت کشاورزی و سایر کارهای معمول زندگی روستایی می‌پردازند. گاهی اوقات، مشغله‌های بسیار زنان روستایی و برخی عوامل دیگر (فرهنگی، اقتصادی و...) چندان به آن‌ها اجازه تفریح نمی‌دهد؛ درحالی‌که برای بهبود کیفیت زندگی این بخش از جمعیت، لازم است تدابیری اندیشیده شود تا آنان به لحاظ روحی و جسمی از سلامت و شادابی بیشتری برخوردار شوند. همچنین، از آنجا که دگرگونی‌های ارزشی هنجاری در برخی از مناطق روستایی کشور، به‌ویژه در میان نسل جوان، پدید آمده و گرایش به مصرف (تا تولید) محوریت یافته (و بدین ترتیب اوقات فراغت بیشتری برای آن‌ها به وجود آمده است)، ضرورت توجه به این مهم بیشتر احساس می‌شود. با توجه به تغییراتی که در دهه‌های اخیر پدید آمده است، ضرورت انجام دادن مطالعاتی برای آگاهی از وضعیت فعلی روستاها در جنبه‌های مختلف احساس می‌شود. در پژوهش حاضر، هدف اصلی این است که یکی از جنبه‌های زندگی زنان روستایی، یعنی وضعیت اوقات فراغت آن‌ها، بررسی شود. پرسش اساسی تحقیق حاضر این است که وضعیت اوقات فراغت زنان روستای حسن‌آباد سنجایی چگونه است؟ نحوه گذران آن بین نسل‌های مختلف زنان روستایی در فصول مختلف سال به چه صورت است؟

نحوه گذران فراغت در زمان‌ها و فضاهای مختلف برای اقشار مختلف جامعه، شکل متمایزی از محدودیت و فشار را نشان می‌دهد. این محدودیت‌ها و فشارها طی زمان نوسان دارد و به تغییر الگوهای فراغت می‌انجامد. از آنجا که تغییر در الگوهای فراغت با تغییر روندهای اجتماعی پیوند خورده است، فهم این تغییرات می‌تواند مبنای مناسبی برای تحلیل روندهای اجتماعی و نیز چگونگی گذران فراغت بین اقشار مختلف جامعه باشد.

پیشینه پژوهش

طیف وسیعی از نظریه‌های اجتماعی از سوی پژوهش‌گران استفاده شده است تا فهم انسان‌ها را از تجربه فراغت و نقش فراغت در جامعه توسعه دهد [۳۰]. موضوع مورد توجه پژوهش‌گرانی که با دیدگاهی کارکردگرایانه به بررسی فراغت می‌پردازند، این است که فراغت چه کمکی به اجرای کارکردهای مختلف در جامعه و در نتیجه تحقق یکپارچگی و انسجام اجتماعی در آن

می‌کند. برخی از پژوهش‌گران مذکور فراغت را به‌منزله پاداش کار یا به‌منزله عاملی برای رهایی فرد از تنش‌ها در نظر گرفتند و اینکه فراغت باعث می‌شود ذهن فرد کمتر بر نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی جامعه متمرکز باشد [۳۴]. براساس این رویکرد، نهادهای فراغتی، همانند سایر نهادها، برای مردم و حفظ نظام اجتماعی، به‌منزله یک کل، نقش‌هایی را ایفا می‌کنند. ورزش‌ها، تفریحات، بازی‌ها و به‌ویژه سرگرمی‌های ملی، مراسم افتتاحیه و اختتامیه، مراسم اعطای جایزه و... در اتحاد و یکپارچگی^۱ اجتماعی بیشتر در جامعه مؤثرند و کارکرد مهمی در این حوزه دارند [۳۰].

براساس دیدگاه پارکر (۱۹۷۶)، که نگاهی کارکردگرایانه به فراغت دارد، قوی‌ترین عوامل مؤثر بر فراغت شغل، جنس و طبقه اجتماعی است. به نظر وی، فراغت کارکردهایی در سطح خرد و کلان دارد: فراغت برای افراد، تمدد اعصاب و آرامش، سرگرمی و توسعه شخصی را فراهم می‌کند و کارکرد آن در سطح کلان این است که به بقای نظام اجتماعی و دستیابی به اهداف جمعی کمک می‌کند. پارکر سه بعد را در رابطه میان کار و فراغت شناسایی کرد. این سه بعد عبارتند از: ۱. میزان درگیری و اشتغال فرد به کار می‌تواند بر میزان اشتغال به فراغت تأثیر بگذارد؛ ۲. فعالیت‌های کاری فرد می‌تواند بر انتخاب فعالیت‌های فراغتی وی تأثیر بگذارد؛ ۳. نگرش‌های فرد درباره کار می‌تواند نگرش‌های وی درباره فراغت را شکل دهد [۳۴].

در رویکرد فمینیستی نیز ساختار مردسالارانه جامعه مانع مهم مشارکت زنان در طیفی از فعالیت‌های فراغت قلمداد می‌شود. طرفداران این رویکرد معتقدند فعالیت‌های فراغتی مناسبی برای زنان در مقایسه با مردان تعبیه نشده است. ساختار مردسالارانه بسیاری از فعالیت‌ها را برای مردان مناسب می‌داند و فعالیت‌های فراغتی در چنین ساختاری اغلب فضایی را مهیا می‌کنند که در آن مردان پیوسته ویژگی‌های مردانه خود را به نمایش می‌گذارند. یکی از پرسش‌های فمینیست‌ها این است که چرا بسیاری از فعالیت‌های فراغتی برای زنان نامناسب پنداشته می‌شود. آن‌ها فراغت را بازتاب تقسیم‌بندی‌های اجتماعی می‌دانند که در عواملی بیرون از تجربه فراغتی ریشه دارد [۳۰].

در رویکرد تعامل‌گرایی، فراغت بازنمایی خود از طریق مواجهه نمادین و شادی‌بخش با محیط انگاشته می‌شود. فراغت بیش از یک احساس است و در طیف وسیعی از فعالیت‌ها در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی نهادینه شده است. کلی^۲ (۱۹۸۳)، از نظریه‌پردازان این رویکرد، کنش متقابل در فراغت را عاملی در توسعه هویت مردم دانسته است [۳۰]. به نظر وی، فراغت برای بقای جامعه و توسعه فضایی اجتماعی به منظور گسترش صمیمیت بسیار اهمیت دارد. وی معتقد است بنیان همبستگی اجتماعی در کنش متقابل اجتماعی است که در تجربه فراغت شکل می‌گیرد. فراغت به هویت‌بخشی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند و فضایی

1. integration
2. Kelly

برای صمیمیت، ایفای نقش والدین، تعامل متقابل اجتماع و خانواده است و با بافت اجتماعی و زیست‌محیطی ارتباط دارد [۳۰].

در نظریه تورشتاین و بلن، مصرف و فراغت تظاهری، راهی برای نمایش منزلت و موقعیت اجتماعی افراد مطرح شده است. به نظر وی، در جوامع مدرن، مصرف تظاهری و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است و افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه بالاتر و تظاهر به فراغت‌های مدرن، به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند [۲۰؛ ۲۷].

پیر بوردیو^۱ درباره فعالیت‌های فراغتی و سبک‌های زندگی پژوهش‌های متعددی انجام داده است تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. به نظر وی، اگرچه بسیاری از تفاوت‌های مربوط به چگونگی گذران اوقات فراغت به طبقه اجتماعی-اقتصادی ارتباط ندارد، پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر گزینش او در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت بسیار تأثیرگذار است [۶]. براساس نظریه بوردیو، گزینش اوقات فراغت، پویا و مبتنی بر تجربیات زندگی فرد و منش او، یعنی علائق، ارزش‌ها و برداشت او از فراغت و شایستگی‌های فرهنگی است. در این نظریه، افراد با توجه به تجربیات دوران کودکی خویش، خواست‌های ویژه و متفاوتی می‌یابند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌شود. این خواست‌ها در همه اشکال فعالیت فراغتی و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کنند. افراد به لحاظ برداشتی که از فراغت و فعالیت‌های فراغتی دارند، با یکدیگر متفاوت‌اند. سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون، به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی نیاز دارند. گزینه‌های فراغت از علائق و سلیقه سرچشمه می‌گیرند که در واقع وسیله‌ای برای تمایز و تشخیص‌اند [۲۹].

گرین علاوه بر تأکید بر نقش عوامل اقتصادی در اوقات فراغت، به تأثیر عوامل دیگری مانند جنسیت نیز توجه کرده است. به نظر او، نه تنها جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر فعالیت‌های تفریحی تأثیر می‌گذارد، بلکه حتی تفریحات درون خانه نیز با جنسیت مرتبط است؛ به طوری که «زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در فعالیت‌های فراغتی، کمتر شرکت می‌کنند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین از آنان انتظار می‌رود بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده بگذرانند». در هر سه عامل کلیدی ذکر شده، یعنی وقت، فعالیت و فضا، زنان وضعیت نامساعدی دارند؛ به طور کلی، وقت زنان برای فراغت، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که می‌توانند در آن به فعالیت‌های فراغتی بپردازند و گزینه‌های فراغتی‌شان محدود است [۳۴].

زنان روستایی را می‌توان آن دسته از اعضای جامعه به‌شمار آورد که نه برنامه‌ای برای پرورش استعدادهای فطری آن‌ها طراحی شده و نه اقدامی مفید و مؤثر برای تکامل دانستنی‌های علمی و مهارت‌های حرفه‌ای ایشان معمول شده است. از این رو، آنان با اندک معلومات کسب‌شده از خانواده و محیط بسته زندگی خود، آن هم در دنیای متحول کنونی، به گذران زندگی سنتی خود اشتغال

دارند [۱۴]. متأسفانه، تاکنون مطالعات چندانی درباره شناخت وضعیت و الگوهای اوقات فراغت زنان روستایی انجام نشده است. به همین دلیل، در پژوهش حاضر عمدتاً از مونوگرافی‌های روستایی به‌منزله پیشینه داخلی پژوهش استفاده می‌شود.

به نظر لهسایی‌زاده و سلامی [۲۱]، صنعت چرم و بافته‌های نخی و پارچه‌ای بیشتر از سوی زنان روستایی در اوقات فراغتشان تأمین می‌شده است. «زنان ابتدا به نخ‌ریسی اشتغال داشتند و گیوه‌بافی نیز در اوقات فراغت آن‌ها انجام می‌شد. آن‌ها هر زمان که فرصتی پیش می‌آمد، بساط ریوربافی را به دست می‌گرفتند و به بافتن و گپ زدن مشغول می‌شدند. همچنین، هنگام استفاده از ابزار سنگی، مانند بردر کردن، ساعت‌ها به حرف‌ها و قصه‌های یکدیگر گوش می‌دادند. از آنجا که بردرها عمومی بود و در کوچه‌ها قرار داشت، سایر زنان نیز جمع می‌شدند و در بحث و گفت‌وگو شرکت می‌کردند.» نیک‌خلق [۲۶] نیز در مونوگرافی ابراهیم‌آباد بیان کرده است زنان در زمان فراغت به بافتن انواع مختلف پارچه، چادرش‌های ابریشمی و نخی، حوله، ملافه، گلیم و خورجین و جوال اشتغال دارند و پارچه‌بافی برای زنان روستایی به صورت تفنن و سرگرمی درآمده است. آن‌ها همچنین بخش دیگری از فراغت خود را به زیارت در زیارت‌گاه‌های اطراف می‌گذرانند.

از کیا [۱] در مونوگرافی روستای آبرود بیان کرده است که زنان در اوقات فراغتشان به قالی‌بافی، خیاطی و صنایع‌دستی اشتغال می‌ورزند. ساعدی [۱۱] در مونوگرافی ایلخچی، نحوه گذران اوقات فراغت زنان روستایی را این‌گونه تشریح کرده است:

در کنار چشمه روستا، همیشه چند زن و دختر را می‌بینی که گپ می‌زنند و آب می‌برند. هنگامی که مردها استراحت می‌کنند، زنان، کوزه‌به‌دوش، از پای درخت توت آب می‌آورند، اغلب در کوچه‌ها ولو هستند، دوتادوتا یا تنها کوزه‌به‌دوش آب می‌برند و عصر پنج‌شنبه‌ها و اعیاد، دسته‌جمعی شمع‌به‌دست به طرف زیارت‌گاه‌ها راه می‌افتند و در اعیاد مذهبی و هرگاه که فرصتی پیش آید، گیس‌سفیدها می‌نشینند و دخترهای جوان می‌زنند و می‌رقصند.

صفی‌نژاد [۱۶] در مونوگرافی طالب‌آباد نوشته است:

تفریح و سرگرمی زنان به مراتب کمتر از مردان است. نوع تفریح آن‌ها متفاوت از تفریح مردان است؛ مگر در مواردی که خانوادگی به زیارت یا شب‌نشینی می‌روند. هنگامی که مردان در خانه هستند، زنان هم باید در خانه باشند. تفریح و سرگرمی آن‌ها زمانی است که مردان در خانه حضور نداشته باشند. گاه‌گاهی زنان پس از انجام کارهای معمول خانه، بقچه رخت خود را باز می‌کنند و به مهمانان و دوستان نشان می‌دهند و درباره تاریخچه هریک از محتویات آن توضیحاتی می‌دهند. یکی دیگر از سرگرمی‌های زنان، جمع‌شدن سر تنور است، اما بزرگ‌ترین تفریح زنان، جمع‌شدن سر کوچه است

۱. bardar: وسیله‌ای مخصوص خردکردن غله و حبوبات شامل سنگ زیرین (تخت و کمی گود) و سنگ بالایی (تقریباً استوانه‌ای استوانه‌ای‌شکل) که بر اثر غلتیدن روی سنگ زیرین دانه را خرد می‌کند [۱۲].

که در بیشتر ساعات روز مشاهده می‌شود. عده‌ای از زنان برای ادای فریضه مذهبی به مسجد یا برای شرکت در مراسم روزه به خانه همسایه‌ها می‌روند. آن‌ها پس از اتمام مراسم فوق دور هم جمع می‌شوند و از هر دری سخن می‌گویند. یا گاه اتفاق می‌افتد که آب آوردن زنان از آب‌انبار ده ساعت‌ها طول بکشد، زیرا آن‌ها در اطراف آب‌انبار و چشمه مشغول صحبت می‌شوند.

پرفسور اونو^۱ [۴] نیز در مونوگرافی *خیرآبادنامه* (۲۵ سال با روستاییان ایران) می‌نویسد: زنان هروقت که فراغت داشته باشند، آرام‌آرام نخ می‌ریسند و دار قالی را چله‌کشی می‌کنند و بر آن می‌بافند.

حمیدی [۷] در *هفت‌دنگی الگوی گذران اوقات فراغت زنان را این‌گونه توصیف کرده است*: زنان در فصل بیکاری، که عمدتاً پاییز و زمستان است، به اموری مانند ماشه‌بافی، موجی‌بافی، جاجیم‌بافی، خورجین‌بافی، پنبه‌بافی و بافت انواع طناب‌های مویی، پشمی و پنبه‌ای مبادرت می‌کردند. براساس یافته‌های پژوهش قاسمی و مروتی [۱۸]، «زنان روستایی در زمان فراغت به همیاری در تهیه صنایع دستی می‌پردازند و محصولاتی که در این زمان ایجاد می‌کنند، عمدتاً در رفع نیازهای زندگی به‌طور خودمصرفی به کار می‌رود. پس از شهریور ماه و پشت سر گذاشتن فصل کار، زنان دور هم جمع می‌شوند و به دایرکردن تاون سیاه‌چادر می‌پردازند. زنان روستایی هنگام بافتن سیاه‌چادر باهم گفت‌وگو می‌کنند. به‌طور کلی، زنان روستایی در اوقات فراغت در بافت سیاه‌چادر، هور، تاون قالی، قالیچه، زیلو و چیت باهم همکاری دارند».

جلال آل احمد [۲؛ ۳] نیز در *اورازان و تات‌نشین‌های بلوک زهر/ بیان کرده است*:

زن‌ها غیر از کار خانه، تفنن‌های دیگری نیز دارند. اگر دستشان به دهنشان برسد و از خانواده بزرگی باشند، در فصل زمستان دار قالی برپا می‌کنند و البته بیشتر گلیم می‌بافند که بسیار خوش‌نقش و شاد و بسیار درازند با پشمی که در محل به رنگ‌های طبیعی و بسیار شاد تهیه کرده‌اند. آن‌ها یک نوع گلیم دیگر نیز می‌بافتند که از شلیته‌ها و پیراهن‌های کهنه شده است. از این‌ها گذشته، زن‌ها گیوه و دستکش و شال کمر نیز می‌بافتند. اولی را از پنبه و آن دیگری را با پشم، البته با پنبه و پشم محل. در آنجا هم، مانند هر ده دیگری، در زمستان زنان را دوک‌به‌دست و در حال پنبه و پشم رسیدن می‌بینید.

صالحین [۳۹] نیز پژوهشی با هدف شناسایی فعالیت‌های زنان در روستای دونا انجام داده است. براساس یافته‌های پژوهش یادشده، زنان روستایی دوسوم از ساعات بیداری خود را در فعالیت‌های تولیدی می‌گذرانند و این برابر است با حدود ۱۰ ساعت و ۲۶ دقیقه در روز. آن‌ها، به‌طور متوسط، ۱۷ دقیقه را در روز صرف بهداشت شخصی و اوقات فراغت خود می‌کنند و هیچ زمانی را به یادگیری یا آموختن امور دیگری اختصاص نمی‌دهند. پژوهش معیدفر [۲۴] نیز نشان داد میانگین اوقات فراغت زنان روستایی در روزهای کار ۵ ساعت و ۴۳ دقیقه و در روزهایی تعطیل ۸ ساعت و ۲ دقیقه است.

در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸، پیمایش ملی دربارهٔ بودجهٔ زمانی در مراکش به اجرا درآمد و یافته‌ها نشان داد که زنان روستایی مراکش در اوقات فراغت خود به مطالعه، تماشای تلویزیون، گردش، سفر و... می‌پردازند [۴۲]. کومارمالا (۲۰۱۶) نیز تلاش کرده است وضعیت اوقات فراغت زنان روستایی شمال غرب هند را در گذشته و حال بررسی کند. یافته‌های وی در دو بخش، یعنی وضعیت سنتی و مدرن، دسته‌بندی شده است. در وضعیت سنتی، زنان در اوقات فراغت به صورت گروهی روزهٔ مذهبی می‌گرفتند و به صورت جمعی به داستان‌گویی و برپایی نماز می‌پرداختند. همه باهم خوراک می‌پختند، محصولشان را درو می‌کردند و همراه این فعالیت‌ها آواز می‌خواندند. فعالیت‌های فراغتی کنونی در میان آن‌ها نیز به شرح ذیل است: روزهٔ مذهبی هنوز مشاهده می‌شود، اما به صورت فردی، آهنگ‌های محلی هنوز بخشی از ازدواج و مراسم و جشنواره‌هاست، اما به میزان زیادی زمان فعالیت‌ها کاهش یافته و جشنواره‌های شبانه هم هنوز یک فعالیت عمدهٔ فراغتی به‌شمار می‌آید. شمار زنانی که به زیارت معابد و زیارت‌گاه‌ها می‌روند، افزایش و تهیهٔ اقلام خوراکی در خانه کاهش یافته است. با توجه به پیشرفت فناوری، کاشت و برداشت محصول به صورت مکانیزه انجام می‌شود و به تبع آن، آوازهای محلی در هنگام درو خوانده نمی‌شود. در نتیجه، تغییرات عظیمی در فعالیت‌های اوقات فراغت زنان در شمال غرب هند رخ داده است [۳۱].

کامپل [۳۱] نیز معتقد است که برای بسیاری از زنان روستایی استرالیا، محل تفریح و کار، هر دو، در مزرعهٔ خانوادگی است. وی در پژوهشی به بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی در شکل‌گیری فعالیت‌های اوقات فراغت زنان روستایی ساکن در منطقهٔ دره‌یاس در استرالیا پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش وی، برای زنان مسن‌تر موقعیت جغرافیایی خاص می‌تواند تسهیل‌کننده یا بازدارندهٔ میزان مشارکت در فعالیت‌های فراغتی باشد. این وضعیت (سکونت در موقعیت جغرافیایی خاص) موجب شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی بین زنان مسن‌تر در این منطقه شده است.

در نهایت، هندرسون و رانلز [۳۳] در پژوهشی با عنوان «زنان کشاورز و معنای کار و فراغت» بیان کردند که بین برخی از زنان، ادغام کار و فراغت برای یافتن معنای زندگی لازم است. در این پژوهش کیفی، اطلاعات گذشته‌نگر دربارهٔ برداشت آنان از زندگی در مزرعه در طول پنج سال گذشته به دست آمد و پنج یافتهٔ اصلی از این مطالعه حاصل شد: اول اینکه، کار زنان وقت‌گیر و بی‌پایان است؛ دوم آنکه، مسئولیت مراقبت از کودکان جزء لاینفک کار است؛ سوم، کار اغلب با سایر مسئولیت‌های اجتماعی آمیخته شده است؛ چهارم، کار ارزشمند و لذت‌بخش است و پنجم اینکه کمبود اوقات فراغت و تفریح یک مشکل است. زنان کشاورز یادشده معنای اوقات فراغت را از طریق ادغام کار، خانواده و تجارب اجتماعی درک کرده‌اند. روشن است که تلاش زنان روستایی برای استفاده از هر ابزار و حضور در موقعیت‌هایی مانند مسجد، روزه، مراسم مذهبی، حمل آب و...، برای فراهم کردن وضعیتی سرگرم‌کننده است. با

توجه به چگونگی گذران اوقات فراغت زنان روستایی در آثار اونو (۱۳۷۶)، مروتی و قاسمی (۱۳۸۸) لهسایی‌زاده و اسلامی (۱۳۷۰)، نیک‌خلق (۱۳۵۲)، ازکیا (۱۳۵۱)، حمیدی (۱۳۸۸) و... می‌توان گفت که تولید صنایع دستی در زمان فراغت بانوان روستایی انجام می‌شود و اوقات فراغت به نوعی موجب تثبیت و تداوم روحیه خودیاری، همیاری، مشارکت و تعاون بین آن‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد الگوی گذران اوقات فراغت زنان روستایی در آثار پژوهش‌گران ایرانی، بیشتر در سطح سوم مورد نظر روجک [۱۰] قرار می‌گیرد که فراغت را نوعی فعالیت کارکردی دانسته است که اهداف اجتماعی تعریف‌شده‌ای از قبیل همبستگی، تعاون و درک متقابل را دنبال می‌کند. نکته دیگری که در الگوی گذران اوقات فراغت زنان روستایی ایران بارز است، مردم‌محور بودن آن است، زیرا، همان‌طور که ذکر شد، بخش عمده‌ای از تفریح و سرگرمی زنان هنگامی انجام می‌گیرد که مردان در خانه حضور نداشته باشند یا مشغول استراحت باشند. همان‌طور که گرین (۱۹۹۰) نیز مطرح کرده بود، حتی تفریحات درون خانه نیز با جنسیت افراد در ارتباط است. علاوه بر این، پژوهش‌گران در این باره اجماع دارند که زمان فراغت زنان در پاییز و زمستان، پس از پایان فصل برداشت محصولات کشاورزی است که این موضوع، فصل‌محور بودن فراغت زنان را نشان می‌دهد. پژوهش‌های یادشده عمدتاً نگاه کل‌نگری به زنان داشته‌اند و بدون توجه به سن و وضعیت اقتصادی به بررسی وضعیت فراغت آنان پرداخته‌اند که البته این موضوع در جامعه روستایی زمان گذشته اشکالی را موجب نمی‌شود، اما ناهمسانی در جامعه روستایی کنونی ایجاب می‌کند که این معیارها مورد توجه قرار گیرد. این موضوع نگارنده را به بررسی وضعیت فراغت در نسل‌های مختلف زنان و نیز با توجه به میزان برخورداری از آب و اراضی کشاورزی سوق داد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در روستای حسن‌آباد سنجابی در شهرستان دلفان از توابع استان لرستان با روش پژوهش کیفی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از بحث گروهی متمرکز، مصاحبه فردی نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده مشارکتی استفاده شد. این تکنیک‌ها اطلاعات بسیاری را فراهم می‌کنند و بدین ترتیب، فهم عمیقی از موضوع به دست می‌آید. از آنجا که نگارنده (دوم) از گذشته در این روستا حضور داشته است، تجربه زیسته و مشاهدات مستقیم وی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. جمعیت روستای حسن‌آباد سنجابی ۷۵۰ نفر است. از آنجا که جمعیت غالب زنان این روستا را زنان میان‌سال تشکیل می‌دهند، با ۱۰ زن میان‌سال، ۵ زن جوان و ۷ زن مسن مصاحبه شد؛ به طوری که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با ۱۴ نفر به صورت فردی و ۸ نفر نیز به صورت گروهی مصاحبه شد. برخی از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

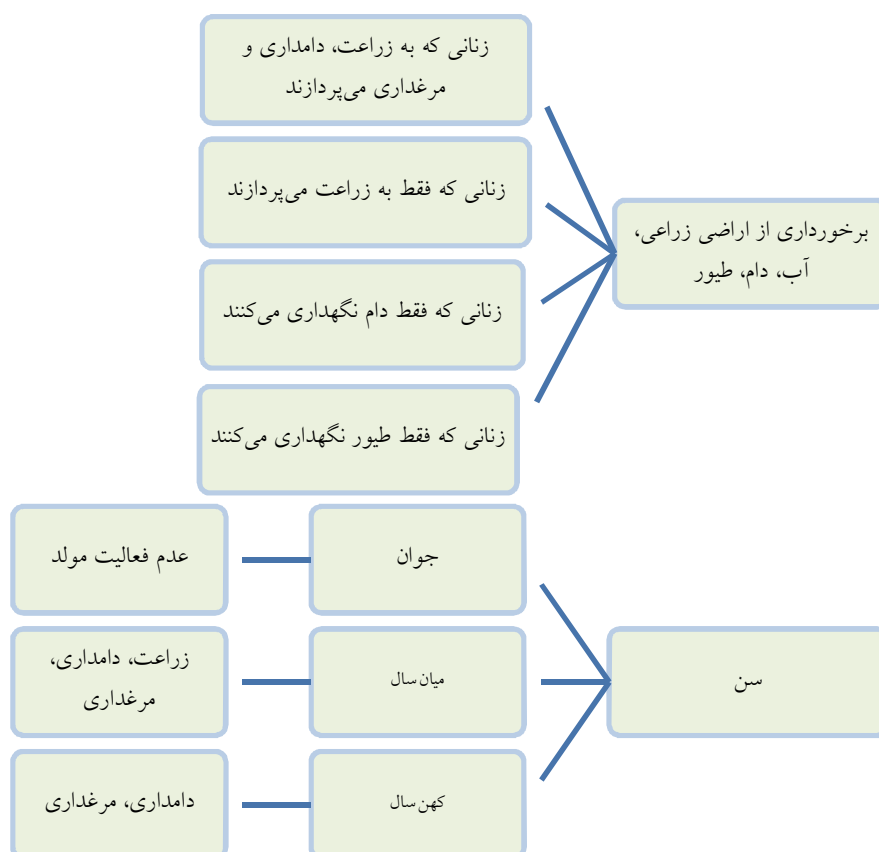
کد	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	میزان دسترسی خانوار به آب	میزان زمین خانوار (هکتار)	میزان دام	میزان طیور
۱	۴۴	خواندن و نوشتن	متأهل	۶ ساعت در ماه	۳	۲۰ گوسفند، ۳ گاو	۷ مرغ و خروس
۲	۳۵	دبیرستان	متأهل	دارای چاه عمیق	۱۰	-	۴ مرغ و خروس
۳	۴۸	اول نهضت	فوت همسر	یک شبانه‌روز در هفته	۴۰	-	-
۴	۲۰	فوق دیپلم	دارای نامزد	دارای چاه عمیق	۱۰	۴ گاو	۲۲ مرغ و خروس
۵	۵۵	اول نهضت	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۵۰	۶ گاو	۴ مرغ و خروس
۶	۵۷	بی‌سواد	فوت همسر	یک شبانه‌روز در هفته	۵۰	۴ گاو	-
۷	۳۸	دیپلم	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۳۰	-	-
۸	۳۲	کارشناسی	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۴۰	-	-
۹	۷۰	بی‌سواد	فوت همسر	۶ ساعت در ماه	۱	۳ گاو	۱۰ مرغ و خروس
۱۰	۳۷	راهنمایی	مجرد	۶ ساعت در ماه	۱	۳ گاو	۱۰ مرغ و خروس
۱۱	۴۰	دوم نهضت	متأهل	یک شبانه‌روز در ماه	۵	۱ گاو	-
۱۲	۲۴	کارشناسی	متأهل	-	-	-	-
۱۳	۶۰	اول نهضت	فوت همسر	-	-	۲ گاو	۶ مرغ و خروس
۱۴	۷۳	بی‌سواد	فوت همسر	-	-	۳ گاو	۱۶ مرغ و خروس
۱۵	۴۱	راهنمایی	متأهل	یک شبانه‌روز در ماه	۱۰	۲ گاو	۷ مرغ و خروس
۱۶	۴۴	ابتدایی	متأهل	یک شبانه‌روز در ماه	۱۰	-	۱۲ مرغ و خروس
۱۷	۶۰	اول نهضت	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۲۵	۱ گاو	۴۰ مرغ و خروس
۱۸	۲۵	دیپلم	متأهل	یک شبانه‌روز در ماه	۴	-	-
۱۹	۳۳	کارشناسی	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۲۰	-	-
۲۰	۲۷	کارشناسی	متأهل	-	-	-	-
۲۱	۸۲	بی‌سواد	فوت همسر	-	-	۱ گاو	۹ مرغ و خروس
۲۲	۴۴	راهنمایی	متأهل	یک شبانه‌روز در هفته	۱۲	۳ گاو	۱۹ مرغ و خروس

در بحث گروهی متمرکز، تلاش شد مشارکت کنندگان با توجه به همسانی سن انتخاب شوند. روش کار بدین شکل بود که ابتدا از زنان روستایی خواسته می‌شد همه فعالیت‌های خود در فصول مختلف سال را از زمان بیداری تا هنگام خواب بیان کنند. برخی از پرسش‌هایی که حین مصاحبه از آن‌ها پرسیده شد، عبارت‌اند از: چه فعالیت‌هایی در روستا به تفکیک فصول مختلف سال انجام می‌دهید؟ در فصل زمستان عمدتاً چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهید؟ در کدام فصل به زیارت یا سفر می‌روید؟ آخرین بار چه زمانی به سفر رفته‌اید؟ وقتی کار خانه به اتمام می‌رسد، چه کاری انجام می‌دهید؟ چه زمان و در کجا به آرایشگاه می‌روید؟ چه برنامه‌هایی از تلویزیون را و در چه موقع از شبانه‌روز تماشا می‌کنید؟ در کدام مراسم اجتماعی بیشتر شرکت می‌کنید؟ زنان روستا می‌توانند در چه حوزه‌هایی مشارکت کنند؟ در چه مکان‌هایی حضور یابند؟ وقتی زنان مسن درباره وضعیت اوقات فراغت خود سخن می‌گفتند، از آن‌ها خواسته می‌شد درباره اوقات فراغت خود در زمان گذشته نیز صحبت کنند.

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل موضوعی (تماتیک) استفاده شد. در تحلیل موضوعی، مقوله‌ها از طریق مطالعه و بازخوانی دقیق داده‌ها شناسایی می‌شوند [۴۲]. این فرایند شامل رفت و برگشت مداوم بین مجموعه داده‌ها، مفاهیم، مقولات و تجزیه و تحلیل آن‌هاست. محقق ابتدا به جمع‌آوری داده‌ها، ثبت داده‌ها روی کاغذ و مرور آن‌ها می‌پردازد و ایده‌های اولیه را مورد توجه قرار می‌دهد. سپس کدهای اولیه (مفاهیم) از داده‌ها استخراج می‌شوند. در مرحله بعد، تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح مقولات، فراتر از کدها، انجام می‌شود که شامل مرتب‌سازی کدهای مختلف و جمع‌آوری و تلفیق همه کدهای مرتبط در مقولات شناسایی شده است. در مرحله بعد، محقق بر آن است تا توضیحاتی درباره مقولات ارائه دهد [۴۳]. در پژوهش حاضر، پس از انجام دادن هر مصاحبه فردی و گروهی، ابتدا متن مصاحبه‌های ضبط‌شده پیاده شد و سپس با تحلیل خطبه‌خط، مفاهیم استخراج شد. آن‌گاه مفاهیمی که به لحاظ معنایی باهم تناسب داشتند و همگی بر موضوع واحدی دلالت می‌کردند، یک مقوله را تشکیل دادند که نامی نیز برای آن در نظر گرفته شد. درهم‌تنیدگی کار و فراغت، دگرگونی ارزشی، تعیین‌کننده بودن میزان دارایی (آب، زمین زراعی، دام و طیور)، تعیین‌کننده بودن میزان اشتغال به کار، فعالیت مولد بازاری، فعالیت مولد غیربازاری، گفت‌وگو و... برخی از مقولات پژوهش حاضر است. همچنین، در حین تحلیل داده‌ها، گاهی پرسش‌هایی درباره موضوعات مطرح‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان به ذهن‌خطور می‌کرد که آن‌ها نیز به فهرست پرسش‌ها اضافه می‌شد. جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پاسخ‌هایی مشابه با مشارکت‌کنندگان قبلی حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها بیانگر این است که در خصوص عوامل مؤثر بر وضعیت فراغت زنان روستایی با یک تقسیم‌بندی دوگانه مواجه هستیم: دو عامل سن و میزان دارایی (آب، زمین زراعی، دام و طیور) در این خصوص تعیین‌کننده‌اند. با توجه به اینکه زنان روستایی در فعالیتهای زراعی و دامی، هم‌پا و گاهی پیش‌گام مردان روستایی هستند، تحت‌تأثیر میزان دارایی‌های یادشده در خانواده و میزان فعالیت در این بخش (زراعت؛ زراعت و دامداری؛ زراعت، دامداری و نگهداری طیور؛ فقط نگهداری از طیور) به لحاظ اوقات فراغت وضعیت متفاوتی دارند. عامل سن نیز در این خصوص حائز اهمیت است.



شکل ۱. عوامل تعیین‌کننده میزان اوقات فراغت بین زنان روستایی

زنان روستایی نسل جوان، به دلیل دگرگونی ارزش‌ها، علاقه چندانی به زراعت، نگهداری دام و طیور ندارند و می‌کوشند از کارگر روزمزدی برای انجام‌دادن کارهای فصلی کشاورزی استفاده کنند و در نتیجه اوقات فراغت بیشتری دارند، اما زنان میان‌سال، که در کنار کار در مزرعه، از دام و طیور نگهداری می‌کنند، طبیعتاً اوقات فراغت کمتری دارند. زنان کهن‌سالی نیز که توانایی انجام‌دادن امور زراعی را ندارند یا به علت درگذشت همسر و تقسیم ارث بین فرزندان، زمین زراعی خود را از دست داده‌اند، به پرورش دام، طیور و نیز عمدتاً در بخش فعالیت‌های مولد غیربازاری مشغول به کارند. در شکل ۱، عوامل تأثیرگذار بر فراغت زنان به تفکیک نشان داده شده است.

جدول ۲. انواع فعالیت‌های زنان روستایی

نسل	انواع فعالیت	گروه‌های فعالیت	زیرفعالیت
زنان میان‌سال	فعالیت مولد	مولد بازاری	زراعت، باغداری، فرآورده‌های طیور، دامداری، فرآورده‌های دام
		مولد غیربازاری	گردآوری انواع سبزی‌های بهره و گیاهان دارویی، تهیه نان، سبزی‌کاری (خودمصرفی)، تهیه غذا، نظافت منزل، رسیدگی به خانواده، تهیه انواع مربا و ترشی‌جات، رب گوجه‌فرنگی، لپه‌کردن، تهیه ترخینه، تهیه گندم شیره، تمی‌کردن و آماده‌کردن گندم حلیم، شستن انواع حبوبات مصرفی برای زمستان، تهیه تپاله
		اوقات فراغت	نشستن اطراف بساط دست‌فروشان دوره‌گرد، نشستن در کوچه و گفت‌وگو با سایر زنان، زیارت امام‌زاده، تماشای تلویزیون، خوابیدن، نوشیدن چای و دم‌نوش گیاهی، رفتن به خانه اقوام و شب‌نشینی خانوادگی، مکالمه تلفنی با قوم و خویش‌ها
	فعالیت غیرمولد	امور شخصی	خواب، بهداشت و آرایش، تغذیه
		امور اجتماعی	شرکت در مراسم اجتماعی (مجالس ترحیم، زیارت قبولی، چشم‌روشنی و...)
		مولد بازاری	تهیه فرآورده‌های طیور، دامداری، فرآورده‌های دام
زنان کهن‌سال	فعالیت مولد	مولد غیربازاری	تهیه غذا، نظافت منزل، جمع‌آوری گیاهان دارویی، جمع‌آوری انواع سبزی‌های محلی، جوجه‌کشی طبیعی
		اوقات فراغت	تماشای تلویزیون، خواب، نوشیدن چای، سرزدن به قوم و خویش‌ها، گفت‌وگو با سایر زنان، کار با دوک نخ‌ریسی، درست‌کردن خیک برای نگهداری روغن حیوانی و پنیر، تولید تشک پوستی از پوست گوسفندان
		امور شخصی	خواب، بهداشت، تغذیه
	فعالیت غیرمولد	امور اجتماعی	شرکت در مراسم اجتماعی (مجالس ترحیم، زیارت قبولی، چشم‌روشنی و...)
		مولد بازاری	-
		مولد غیربازاری	تهیه غذا، نظافت منزل، رسیدگی به کودکان، جمع‌آوری سبزی‌های کوهی، تهیه مربا، ترشی‌جات، سبزی‌کاری (خودمصرفی)، پرورش گل‌های تزئینی
زنان جوان	فعالیت غیرمولد	اوقات فراغت	آرایش، رقص، تماشای تلویزیون و ماهواره، خواب، نوشیدن دم‌نوش گیاهی و چای، مکالمه تلفنی با قوم و خویش‌ها، رفتن به زیارت، تغییر دکوراسیون، شب‌نشینی خانوادگی، سفر، کوه‌نوردی و پیاده‌روی، رفتن به خانه اقوام، مطالعه، استفاده از شبکه‌های مجازی
		امور شخصی	خواب، بهداشت و آرایش، تغذیه، رفتن به باشگاه، رقص، رژیم‌گرفتن
		امور اجتماعی	شرکت در مراسم اجتماعی (مجالس ترحیم، زیارت قبولی، چشم‌روشنی و...)

برخی از فعالیتهای زنان روستایی تحت تأثیر تغییر فصول سال تغییر نمی‌کنند؛ مانند دامداری، طیورداری، فعالیتهای شخصی و اجتماعی. اما فعالیتهای مربوط به زراعت و باغداری به اقتضای نوع فصل تغییر می‌کنند؛ مثلاً، در فصل بهار، زنان روستایی به وجین محصولات کشاورزی می‌پردازند و در فصل تابستان به برداشت محصولات و تهیه غذا برای کارگران فصلی مشغول می‌شوند. برخی از زنان روستایی در این فصل در جمع‌آوری گاه و حمل آن از مزرعه به مردان کمک می‌کنند. آنان در فصل پاییز در فعالیتهایی مانند پاک‌کردن گندم و سم‌زدن به آن و جمع‌آوری صیفی‌جات و چیدن میوه کمک می‌کنند. البته برحسب میزان برخورداری از آب، کارهای بهاره و پاییزه زنان افزایش و کاهش می‌یابد. به نظر یکی از پاسخ‌گویان:

از زمانی که چاه حفر کردیم، دیگه پاییز و بهار هم نداریم. همه‌ش شده کار (۲).

هر سالی که بارندگی‌ش کمتر باشه، ذرت و یونجه در نمی‌آد و به جای آوردن هر روز ذرت و یونجه از مزرعه، برای دام‌ها علوفه می‌خریم (۱۱).

آن‌ها در فصل زمستان فقط به نگهداری از دام و طیور و انجام دادن فعالیتهای اجتماعی و شخصی می‌پردازند. بدین ترتیب، متناسب با تغییر فصول، میزان اوقات فراغت زنان و نوع فعالیتهای فراغتی آن‌ها تغییر می‌یابد؛ مثلاً، آن‌ها در فصل بهار بیشتر اوقات فراغت خود را در خارج از منزل می‌گذرانند؛ گاه در محوطه میانی روستا جمع می‌شوند و به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پردازند و گاه در اطراف فروشندگان دوره‌گرد جمع می‌شوند یا به زیارت امام‌زاده‌های نزدیک شهرستان (بابابزرگ و شاهزاده محمد) می‌روند. البته این وضعیت در مورد خانوارهایی که چاه عمیق دارند صادق نیست، یکی از زنان می‌گفت:

بهار هم تموم شد، ما یه زیارتی نرفتیم. چون چاهمون باید یکی همیشه جلوش باشه (۲).

زنان روستایی در فصل تابستان، به دلیل حجم زیاد کار، زمان کمی برای فراغت دارند و بیشتر تلاش می‌کنند که در زمان فراغت برای رفع خستگی بخوابند. در فصل پاییز، مشغله زنان روستایی، نسبت به فصل تابستان، کمتر و زمان فراغتشان بیشتر می‌شود. آن‌ها در این فصل عمدتاً به زیارت امام‌زاده‌ها و دیدار قوم و خویش‌های خارج از روستا می‌روند. در فصل زمستان، زنان روستایی بیش از زمان‌های دیگر وقت آزاد دارند. آن‌ها در این فصل به مسافرت‌های برون‌استانی، مانند مشهد و کربلا، می‌روند. همچنین، بیشتر به تماشای تلویزیون می‌پردازند و گاه با خویشان و دوستان خود تلفنی صحبت می‌کنند.

در اوقات بیکاری یا می‌خوابم یا تلویزیون نگاه می‌کنم (۸).

۱. با وجود اینکه آبیاری در این منطقه برعهده مردهاست، هر وقت خسته شوند، زنان در عصرها به کمک آن‌ها می‌روند.

اما زنان روستایی جوان تمایلی به مشارکت در زراعت، باغداری و دامداری ندارند و اگر به‌ندرت به مشارکت در این زمینه علاقه‌مند باشند، خانواده آن‌ها را از مشارکت در این حوزه باز می‌دارد. مادر یکی از دختران جوان می‌گفت:

خودم سوختم، دیگه نمی‌ذارم دخترم بسوزه (۶).

به همین دلیل، دختران جوان زمان آزاد بیشتری دارند. همچنین، نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها با سایر زنان مشارکت‌کننده در فعالیتهای مولد روستا متفاوت است. آن‌ها وقت زیادی را به آرایش، تماشای تلویزیون و پرسه‌زنی در شبکه‌های اجتماعی و پیاده‌روی می‌گذرانند. گاه هر روز به بهانه مراجعه به باشگاه، خرید یا آرایشگاه به شهر می‌روند. آن‌ها علاقه‌ای به گفت‌وگو با سایر زنان در کوچه یا کنار دست‌فروشان دوره‌گرد ندارند.

بیشتر فراغتم رو در شبکه‌های اجتماعی می‌گذروم. چیز جدیدی هم یاد می‌گیرم. فکر می‌کنم بی‌کلاسیه که برم بشینم پیش بقیه زنان روستا که از عروس‌هاشون غیبت کنن (۱۲).

آن‌ها عمدتاً از بازارهای شهری خرید می‌کنند و تجمعیان در کنار سایر زنان زمانی مشاهده می‌شود که قصد داشته باشند از روی کتاب آشپزی یا براساس اطلاعات موجود در فضای مجازی، غذای جدیدی طبخ کنند.

برخلاف آن‌ها، زنان میان‌سال که در فعالیتهای مولد روستایی بیشتر مشارکت می‌کنند، فقط ماهی یک بار به آرایشگاه می‌روند و ضرورت شرکت در مراسم اجتماعی مانند مجالس ترحیم، عروسی و ... بیشترین عاملی است که موجب مراجعه آن‌ها به شهر می‌شود.

همه قوم و خویش و تیر و طایفه شهر هستند و گاهی مجبوریم هر روز برای مراسم فاتحه شهر بریم (۱۶).

زنان مسن فقط به قصد زیارت (مشهد و کربلا و گاه مکه) از روستا خارج می‌شوند و برخی از آن‌ها به جز سفر به مشهد، سفر برون‌استانی دیگری نداشته‌اند.

سفر مال خدادارهاست^۱، ماها اگه امامزاده شاهزاده محمد یا بابابزرگ بطلبه می‌ریم (۲۱).

اما زنان جوان جز به قصد زیارت، سفرهای برون‌استانی دیگری نیز دارند. میزان و وضعیت اوقات فراغت زنان مسن به نحو دیگری است. آن‌ها توانایی کار در مزرعه و باغداری را ندارند، اما در جوجه‌کشی طبیعی مهارت خاصی دارند. یکی از زنان بیان می‌کرد:

هر سی تخم‌مرغی که زیر مرغ می‌ذارم، به جوجه تبدیل می‌شن (۱۴).

آن‌ها تعدادی از جوجه‌ها را برای مصرف خانواده نگه می‌دارند و بقیه را می‌فروشند. زنان

روستایی کهن سال بیشتر وقت خود را صرف نخریسی، تولید خیک^۱ و تشک پوستی می‌کنند. آن‌ها نیز بخشی از اوقات فراغت خود را به تماشای تلویزیون، نوشیدن چای و دید و بازدید اقوام ساکن در روستا اختصاص می‌دهند و مانند سایر زنان، به گرد هم آمدن و گفت‌وگو با دیگران کنار در خانه همسایه‌ها علاقه‌مندند.

زنان کهن سال ضمن بیان فعالیت‌هایی که اکنون در اوقات فراغتشان انجام می‌دهند، به توضیح درباره فعالیت‌هایی نیز پرداختند که در گذشته در اوقات فراغت انجام می‌دادند. آن‌ها در گذشته خمیر درست می‌کردند، خمیرها را به رشته تبدیل می‌کردند و برای فروش به شهر می‌فرستادند. گاهی با همکاری سایر زنان به نظافت کامل روستا می‌پرداختند، لباس‌ها و ظرف‌ها را برای شست‌وشو به کنار نهر و چشمه می‌بردند و در این میان وقتی را هم با سایر زنان می‌گذراندند. علاوه بر این، موقع مشک‌زدن، ترانه‌های مشک‌زنی می‌خواندند و به هر بهانه‌ای جشن‌هایی مانند عروسی مشک^۲ و نیز جشن کره (سیره)^۳ برپا می‌کردند. همچنین، به زنان عشایر در نخریسی و تهیه و تعمیر سیاه‌چادر و درست کردن چیت و خورجین کمک می‌کردند. زنان عشایر نیز در ازای همکاری به آن‌ها پشم گوسفند، روغن حیوانی، پنیر و کشک می‌دادند. عامل مهم و مؤثر دیگر بر الگوی اوقات فراغت زنان روستایی در گذشته، نوع اسکان آن‌ها بوده است. زنان روستایی که به صورت نیمه‌اسکان یافته بوده‌اند، با توجه به نیازهای زندگی، در اوقات فراغتشان به تولید وسایلی مانند چیت و تاون، سیاه‌چادر و طناب‌های مویی مبادرت می‌ورزیدند که جنبه خودمصرفی داشته است.

به‌طور کلی، میزان اشتغال به فعالیت‌های مولد بازاری (زراعت، باغداری، دامداری، مرغداری) تعیین‌کننده میزان اوقات فراغت و نوع فعالیت‌های فراغتی بین بخش عمده‌ای از زنان است. زنان روستایی در اوقات فراغت به انجام دادن فعالیت‌های مولد غیربازاری، مانند جمع‌آوری گیاهان و سبزی‌های کوهی، تولید ترشی‌جات، مربا، تهیه ترخینه، کشک و این قبیل محصولات نیز می‌پردازند. اگر آن‌ها اوقات فراغت نداشته باشند، کمتر به این نوع فعالیت‌های مولد غیربازاری رو می‌آورند. همچنین، میزان اوقات فراغت آن‌ها بر مقدار زمان اختصاص یافته به امور شخصی تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً، در زمستان که زنان روستایی بیشتر از سایر فصول اوقات فراغت دارند، ماهی یک بار به آرایشگاه می‌روند، اما در فصل تابستان، هر دو ماه یک‌بار به آرایشگاه می‌روند.

۱. xik: ظرف چرمین که در آن آب، دوغ، روغن و مانند آن می‌ریزند.

۲. همچنین هر ساله در نخستین کره‌گیری، مشک کهنه را عروس می‌کنند و برای آن عروسی می‌گیرند. برای عروس، گندم برشته می‌کنند و یک پارچه سرخ روی مشک می‌اندازند و به در مشک گل و گیاه و سبزه می‌بندند. سپس هفت دختر جوان مشک را تکان می‌دهند و ترانه مشک می‌خوانند.

۳. در این جشن، که در فصل بهار برگزار می‌شود، اولین کره‌ای که از شیر گاو یا گوسفند به دست می‌آید، همراه نوعی بیسکویت محلی بین اهالی توزیع می‌شود.

فعالیت‌های اجتماعی از نظر زنان روستایی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که گاه زنان روستایی به منظور شرکت در یک مراسم اجتماعی، امور زراعی، باغی و دامی را رها می‌کنند، زیرا براساس عرف و هنجارهای غالب روستایی، در هیچ شرایطی نمی‌توان شرکت در این مراسم را به زمان دیگری موکول کرد یا نادیده گرفت. به نظر یکی از زنان روستایی:

اگر در مراسم شاد و شیون^۱ شرکت نکنیم، سرور دار نیستیم^۲ (۱۳).

نتیجه‌گیری

الگوی اوقات فراغت زنان روستایی با الگوی اوقات فراغت زنان شهری متفاوت است؛ به‌طور کلی، وضعیت اوقات فراغت زنان در روستای مطالعه‌شده، تحت‌تأثیر این عوامل است: شرکت در فعالیت‌های مولد مانند زراعت، باغداری، دامداری و مرغداری؛ میزان برخورداری خانواده از دارایی‌هایی مانند زمین و آب. البته برخورداری از آب اثرگذارتر از بهره‌مندی از زمین است، زیرا اگر خانواده از چاه عمیق یا سهم آب زراعی فراوانی برخوردار باشد، به کشت‌های بهاره و پاییزه اقدام می‌کند و در این صورت، زنان خانواده اوقات فراغت کمتری خواهند داشت؛ حتی اگر مستقیماً وارد کار در مزرعه نشوند. اما در شهر، دارایی و منابع مالی بیشتر، امکان برخورداری از اوقات فراغت بیشتر و متنوع‌تری را فراهم می‌کند و فرد به دلیل برخورداری از تسهیلات بیشتر می‌تواند این اوقات را با کیفیت بهتری بگذراند.

بیشترین فعالیت‌هایی که زنان روستایی در اوقات فراغت انجام می‌دهند، عبارت‌اند از خوابیدن، نوشیدن چای، دید و بازدید اقوام و زیارت امام‌زاده و تماشای تلویزیون که در همه زنان مشاهده شد. البته نحوه استفاده زنان از تلویزیون متفاوت است؛ به‌طوری‌که زنان کهن‌سال بیشتر فیلم‌های خانوادگی یا شبکه‌های محلی را تماشا می‌کنند. اما زنان میان‌سال و جوان علاوه بر موارد فوق، به تماشای برنامه‌های آموزشی تلویزیون نیز می‌پردازند و برای پخت‌و‌پزها و شیرینی‌هایی که آموزش داده می‌شود، تلاش می‌کنند. گرد هم آمدن و گفت‌وگو با سایر زنان روستا، مختص زنان میان‌سال، تولید خیک و تشک پوستی و نخ‌ریسی، ویژه زنان کهن‌سال و آرایش و مراجعه به باشگاه و پیاده‌روی، بیشتر مختص زنان جوان است.

فعالیت‌های اوقات فراغت زنان مسن (تولید خیک و نخ‌ریسی) در راستای تسهیل زندگی در روستا است، اما فعالیت فراغتی زنان میان‌سال، بیشتر برای رفع خستگی است و آن‌ها با نوشیدن چای، تماشای تلویزیون و نشستن در اطراف بساط دست‌فروشان دوره‌گرد، رفع خستگی می‌کنند. از کارکردهایی که دومازديه (۱۳۵۲) درخصوص فعالیت فراغتی بیان کرده

۱. مراسم شادی و عزا.

۲. نمی‌توانیم در اجتماع از خجالت سر خود را بلند کنیم.

است، زنان میان سال «کارکرد تأمین استراحت» را کسب می‌کنند. اما فعالیت‌هایی که زنان جوان در اوقات فراغت خود انجام می‌دهند، از نوع فعالیت‌های مفرح و لذت‌بخش است. آن‌ها زمان بسیاری را به رقص، پیاده‌روی و آرایش خود می‌گذرانند و از بین کارکردهای مورد نظر دومازدیه (۱۳۵۲) «تفریح و کاهش کسالت» را جست‌وجو می‌کنند.

همان‌طور که پارکر نیز مطرح کرده است، میزان اشتغال فرد به کار می‌تواند بر میزان اشتغال وی به فراغت تأثیر بگذارد. همچنین، فعالیت‌های کاری فرد می‌تواند بر انتخاب فعالیت‌های فراغتی وی تأثیرگذار باشد [۳۴]. البته درخصوص جامعه روستایی همواره باید درهم‌تنیدگی میان کار و فراغت را در نظر داشت. همان‌طور که در آثار برخی محققان [۱۷] نیز مطرح شده است، این درهم‌تنیدگی میان کار و فراغت در جامعه روستایی از زمان‌های گذشته وجود داشته است و امروزه نیز با شدت و ضعف‌هایی، همچنان در برخی مناطق وجود دارد. در روستای مطالعه‌شده نیز کار و فراغت در نسل میان‌سال و مسن تا حدودی درهم‌تنیده است. آن‌ها همواره از کار لذت می‌برند؛ مثلاً، زمانی که مشغول دوشیدن شیر دام‌ها هستند، برای دام‌هایشان لالایی می‌خوانند و آن‌ها را نوازش می‌کنند. با اینکه برداشت محصول در گرمای سوزان تابستان انجام می‌شود، برای آن‌ها لذت‌بخش است، زیرا اکثر آن‌ها باهم به مزرعه می‌روند و در طی مسیر با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. آن‌ها حتی هنگام کار نیز برای سرکشی به زمین‌های یکدیگر می‌روند و دوباره به زمین خود برمی‌گردند. زمانی که محصول را سر خرم‌گاه می‌آورند، زنان روستایی همراه سایر اعضای خانواده در خرم‌گاه حاضر می‌شوند و علاوه بر برداشت محصول، به شوخی و خنده و سرکشی به خرم‌گاه سایر خانوارها و گفت‌وگوی کوتاه نیز می‌پردازند. همان‌طور که هندرسون و رانلز [۳۳] نیز مطرح کرده‌اند، زنان کشاورز معنای اوقات فراغت را از طریق ادغام کار، خانواده و تجارب اجتماعی درک کرده‌اند.

زنان روستای مطالعه‌شده سعی می‌کنند هر فعالیتی را به تفنن تبدیل کنند. شگفت‌آور است که یک فعالیت بسیار مفرح از نظر زنان روستایی، شرکت در مراسم عزاست، زیرا در این مراسم با همه زنان خویشاوند، دوست و آشنا تجدید دیدار می‌کنند و استعدادهای هوره خواندن و مرثیه‌سرایی خود را به رخ همدیگر می‌کشند. آن‌ها در مراسم عزا علاوه بر مرثیه‌سرایی برای فرد متوفی، برای اموات خود و اموات سایر زنان، که با یکدیگر رابطه دوستانه یا قوم و خویشی دارند، نیز مرثیه می‌خوانند. گویی مراسم عزا عرصه‌ای برای رقابت میان زنان است، زیرا هریک از آنان سعی می‌کنند حماسه‌ای هرچند بی‌ربط، از شجاعت، رشادت و جنگ‌آوری برای درگذشتگان بسراید. پس از ترک مراسم عزا، زنان ساعت‌ها به خنده و گفت‌وگو درباره حماسه‌های سروده‌شده می‌پردازند. این وضعیت، یادآور موضوع مورد تأکید در رویکرد تعامل‌گرایی است که در آن «فراغت بازنمایی خود از طریق مواجهه نمادین و شادی‌بخش با محیط دانسته می‌شود» [۳۰].

علاوه بر این، زنان روستایی در ماه‌های رمضان و به‌ویژه محرم در مراسم دعا و عزاداری شرکت می‌کنند، اما بدون توجه به صحبت‌های سخنران، به صورت گروهی باهم مشغول گفت‌وگو می‌شوند. فرهادی [۱۶] در *واره* می‌نویسد: نیاز به گفت‌وگو چنان شدید بوده و هست که زنان ناچارند به خلق مجال‌هایی بپردازند. از این‌رو، به هر بهانه‌ای، از جمع شدن دور تنور و سر چشمه و قنات گرفته تا سوگ و سور و احوال‌پرسی بیمار و... به دیدار و گفت‌وگو با دیگران متوسل می‌شوند.

همچنین، زنان جوان روستایی سعی دارند با انتخاب فعالیت‌های فراغتی متفاوت، خود را از دیگران متمایز کنند. این تمایزخواهی سبب شده است که از فعالیت مولدی آن‌ها کاسته شود و بیشتر به سمت فعالیت‌های فراغتی مصرف‌گرایانه‌تر گرایش یابند.

با توجه به گفته‌های زنان کهن‌سال و یافته‌های برخی از مونوگرافی‌های انجام‌شده در ایران، می‌توان با مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت زنان روستایی امروز با پیشینیان گفت در گذشته زنان در اوقات فراغت به فعالیت‌های جمعی و همیاری با یکدیگر می‌پرداختند، اما زنان مورد مطالعه پژوهش حاضر نیازی به مشارکت و همیاری احساس نمی‌کنند. دوم اینکه، زنان در گذشته در اوقات فراغت خود صنایع دستی روستایی را شکوفا می‌کردند (انو، ۱۳۷۶؛ مروتی و قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۴۰؛ لهسایی‌زاده و اسلامی، ۱۳۷۰: ۲۰۶؛ نیک‌خلق، ۱۳۵۲: ۸۰؛ ازکیا، ۱۳۵۱: ۴۶؛ حمیدی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). نائینی [۲۵] در *سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی* ذکر کرده است بافتن پارچه‌های لیجه و کرباس^۱ از نخ‌های پشمی، ابریشمی یا پنبه‌ای در میان زنان روستایی مرسوم بود و با استفاده از آن‌ها البسه مورد نیاز خانواده را تهیه می‌کردند. اما تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که جز در میان زنان کهن‌سال، اقدامی برای پویایی صنایع دستی انجام نمی‌شود. همچنین، براساس یافته‌های برخی مونوگرافی‌ها، گذران اوقات فراغت زنان روستایی عمدتاً مردمحور بود (صفی‌نژاد، ۱۳۴۵؛ ساعدی، ۱۳۵۷)، اما گذران اوقات فراغت در روستای مطالعه‌شده، نه در وضعیت کنونی و نه در گذشته مردمحور نبوده است.

منابع

- [۱] ازکیا، مصطفی (۱۳۵۱). *مونوگرافی روستای آبرود* (دهکده‌ای از تربت‌حیدریه)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش تحقیقات روستایی.
- [۲] آل احمد، جلال (۱۳۷۳). *اورازان*، تهران: فردوس.
- [۳] آل احمد، جلال (۱۳۵۶). *تات‌نشین‌های بلوک زهره*، تهران: امیرکبیر.
- [۴] انو، موریو (۱۳۷۶). *خیرآبادنامه* (۲۵ سال با روستاییان ایران)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.

۱. لیجه نوعی پارچه راه‌راه پشمی و کرباس نیز پارچه‌ای است از نخ پنبه که با دست بافته می‌شود.

- [۵] ج، آر، کلی (۱۳۸۲). «نظریه‌های فراغت، کار و فراغت در نظام‌های اجتماعی»، ترجمه جواد مهدی‌زاده، *جستارهای شهرسازی*، ۵، ۱۵-۶.
- [۶] جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). *پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوهرافشانی و حسن چاوشیان*، تهران: نی.
- [۷] حمیدی، هوشنگ (۱۳۸۶). *هفت دانگی (تحقیقی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی)*، تهران: مرکز نشر روان‌سنجی.
- [۸] دومازیه، ژوزف (۱۳۵۲). «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسی»، ترجمه م. آدینه، *فرهنگ و زندگی*، ۱۲، ص ۱۲-۲۴.
- [۹] رحمانی، احمد؛ محمدپور رنجبر؛ بخشی‌نیا، طیبه (۱۳۸۵). «بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان شواهدی براساس سبک زندگی»، مجموعه مقالات همایش ملی الگوی اسلامی-ایرانی سبک زندگی، دانشگاه مازندران، ۸۰۱.
- [۱۰] روجک، کریس (۱۳۸۸). *نظریه اوقات فراغت اصول و تجربه‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: شهر.
- [۱۱] ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۷). *ایلخچی*، تهران: امیرکبیر.
- [۱۲] سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۷). «تحول در مطالعات فراغت»، فصل‌نامه *مطالعات جوانان*، ۱۳، ص ۳۱-۵۲.
- [۱۳] سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۱). *فرهنگ گویش دوانی*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۲۳.
- [۱۴] شکوری، علی (۱۳۸۵). «تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، مطالعه‌ای در جوانان شهر تهران»، *مجله جهانی رسانه*، ۲.
- [۱۵] شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲). *توسعه و ترویج روستایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۶] صفی‌نژاد، جواد (۱۳۴۵). *مونوگرافی طالب‌آباد*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش تحقیقات روستایی.
- [۱۷] فرهادی، مرتضی (۱۳۸۶). *واره*، تهران: چاپ نگارگران شهر.
- [۱۸] قاسمی، یارمحمد؛ مروتی، سهراب (۱۳۸۸). *همیاری‌های سنتی ایلامیان*، ایلام: دانشگاه ایلام.
- [۱۹] کشکر، سارا (۱۳۸۶). «تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تفریحی شهر تهران»، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- [۲۰] کوزر، لوییس (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۲۱] لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ سلامی، عبدالنبی (۱۳۷۰). *تاریخ و فرهنگ مردم دوان*، شیراز: نوید.

- [۲۲] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران.
- [۲۳] معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵ (۲)، ص ۱۷۹-۲۰۰.
- [۲۵] نائینی، میرزا علی‌خان (۱۳۶۶). *سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی*، به اهتمام محمد گلبن، تهران: اطلاعات.
- [۲۶] نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۲). *مونوگرافی ابراهیم‌آباد (دهکده‌ای از کاشمر)*، وزارت تعاون و امور روستایی.
- [۲۷] وبلن، تورشتاین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- [۲۸] هزارجریبی، جعفر؛ ارفعی عین‌الدین، رضا (۱۳۹۰). «*اوقات فراغت و سلامت اجتماعی*»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰، ص ۳۹-۶۴.
- [۲۹] هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰). *اوقات فراغت*، ترجمه محمد احسانی، تهران: امید دانش.
- [30] Best, Shaun (2010). *Leisure Studies Themes and Perspectives*. London: SAGE.
- [31] Campbell, Anne (2013). location, womens leisure in rural australi, *Leisure Studies*, 32 (3).
- [32] Dumazedier, J., (1967). *towards a society of leisue*, New York, Free Press, 16-17.
- [33] Henderson, Karla A, & Rannells Jean. S. (1998). *Farm women and the meaning of work and leisure: An oral history perspective*, *eisure Sciences: An Interdisciplinary Journal*, 10(1).
- [34] Green, E., S. Hebron & D. Woodward, (1990). *Women's Leisure, what leisure?* London Macmillan.
- [35] Gary L. Cross, Garry Chick & John Loy (2004). *Encyclopedia of Recreation and Leisure in America*. United States: Thomson.
- [36] Kumarmahala, Arvind (2016). *Leisure among Rural Women of North West India, conference the futures we want: Global sociology and the struggles for a better world*, Vienna, Austria, July 14-10.
- [37] Neulinger, John (1981). *The psychology of leisure*, Thomas.
- [38] Salehin, SHarзад, (2003). *rural womens time-use survey*, *woman in development and politics*, 1(7).
- [40] Sivan, A. & Ruskin, H. (2000). *Leisure Education, Community Development and Populations with Special Needs*. New York: CABI Publishing.
- [41] http://www.un.org/depts/unsd/timeuse/tusresource_country/morocco_survey_disign.pdf.
- [42] Fereday, J. & Muir-Cochrane, E. (2006). *Demonstrating Rigor Using Thematic Analysis: A Hybrid Approach of Inductive and Deductive*

Coding and Theme Development, International Journal of Qualitative Methods, 5(1), pp 1-11.

- [43] Braun, V., Clarke, V. (2006). *Qualitative Research in Psychology*, University of Auckland and University of the West of England.